

نقش زنان روستایی در توسعه، امنیت و پایداری مواد غذایی

کریم درویش پور^۱، حسین رحمان پور^۲، رحیم درویش پور^۳، علی محمد درویش پور^۴

دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، ایران، همراه ۰۹۱۵۷۰۶۱۵۸۴ (k.darvishpoor@chmail.ir)

چکیده

در سراسر جهان زنان به عنوان رکن اساسی واحدهای تولیدی، همواره مطرح بوده‌اند و ساختار اقتصادی خانواده بدون حضور آنها، پایداری نخواهد داشت. آنان با تولید بین ۶۰ تا ۸۰ درصد محصولات غذایی در اکثر کشورهای در حال توسعه، بار مسئولیت تولید نیمی از مواد غذایی در سطح جهان را به دوش می‌کشند. بنابراین زنان روستایی نقش کلیدی، به خصوص در مواقع بحرانی و در تضمین سلامت و امنیت غذایی ایفا می‌کنند. لیکن با وجود نقش و سهم مهم این قشر از جامعه جهت تامین مواد غذایی در جهان، غالباً در راهبردهای توسعه مورد کم توجهی یا بی توجهی قرار می‌گیرند. به همین منظور در این مقاله به نقش زنان روستایی بر پایداری امنیت غذایی، موانع موجود بر سر راه این امر و راهکارهای موثر در جهت حذف این موانع پرداخته شده است. در پایان از مطالب مطرح شده نتیجه‌گیری به عمل آمده است که به اختصار به شرح ذیل می‌باشد: به طور کلی آگاهی از مساله پایداری و تداوم امنیت غذایی، سواد تغذیه‌ای، توانمند کردن خانوارها، مخصوصاً زنان روستایی، از مولفه‌های اصلی راهبردهای امنیت غذایی هستند که در این راه، ارتقای مقام زنان و نقش فعال آنان در کسب درآمد و تصمیم‌گیری برای تقسیم منابع خانوار یک راهبرد مثبت و قاطع، در جهت بهبود امنیت غذایی خانوار و تامین نیازهای بهداشتی و تغذیه‌ای اعضای آن تلقی می‌گردد.

واژگان کلیدی: زنان روستایی، توسعه، امنیت، پایداری، مواد غذایی

۱. دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، ایران، همراه ۰۹۱۵۷۰۶۱۵۸۴ (k.darvishpoor@chmail.ir)

۲. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی - Rahmanpoor@chmail.ir

۳. کارشناس علوم تربیتی (راهنمای و مشاوره) darvishpoorrahim69@gmail.com

۴. کارشناس و مدرس علوم قرآنی darvishpoor22@gmail.com

زنان ثابت کرده‌اند که اگر به فرصت‌ها و منابع دسترسی داشته باشند، افرادی کارآمد خواهند بود. زنان به یاری مردان در مزرعه و دیگر سطوح جامعه قادر خواهند بود امنیت غذایی را برای مردم در سده بیست و یکم تضمین کنند. آنان با تولید، عمل آوری و تامین مواد غذایی نقش بسیار مهمی در حیات انسانی ایفا می‌نمایند. در واقع زنان به عنوان نیروی عمده برای ایجاد تحول و منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستا و افزایش هر چه بیشتر نرخ رشد تولیدات مواد غذایی می‌باشند. لذا آگاهی روز افزون نسبت به نقش این قشر در فرآیند تولید و لزوم مشارکت گسترده‌تر آنان در روند توسعه اجتماعی و اقتصادی سبب شده است که از فعالیتهای آنان در سیاستهای ملی، محلی و روستایی، حمایت و پشتیبانی بیشتری به عمل آید. بسیاری از کشورها با تاسیس نهادها و سازمانهایی که خود را متعهد به تلاش در جهت ترقی و پیشرفت زنان می‌دانند، درصدد از بین بردن آن دسته از موانع قانونی هستند که اجازه نمی‌دهند زنان در فعالیتهای و منافع حاصل از توسعه به خصوص در بخش کشاورزی به اندازه مردان شریک و سهیم باشند، از جمله موانعی که فعالیت مشارکتی زنان در کشاورزی را به تعویق می‌اندازد و منجر به عدم پایداری امنیت غذایی می‌گردد شامل دسترسی محدود به فرصتهای آموزشی از قبیل (خدمات ترویجی، خدمات مشاوره‌ای و اطلاعات فنی) و دارائی‌های مهمی از قبیل زمین و اعتبارات می‌باشد. بنابراین با از میان برداشتن این موانع می‌توان شرایطی را فراهم آورد که راه دستیابی و دسترسی زنان به منابع تولید، افزایش حضور در عرصه‌های تصمیم‌گیری، سیاستگذاری، کاهش فشار کاری، بالا بردن امکان دسترسی به اشتغال و درآمد هموارتر شود.

هدف از مقاله حاضر این است که مسئله تداوم و پایداری امنیت غذایی و نقش زنان روستایی را که به عنوان یکی از ارکان کلیدی راهبردهای امنیت غذایی می‌باشند مورد بررسی و کنکاش قرار دهد. روش مورد استفاده به منظور گردآوری مطالب، استفاده از پایگاههای اطلاعاتی اینترنتی و مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد.

۲. جایگاه زنان روستایی

اهمیت حیاتی نقش زنان روستایی در کمک به امنیت غذایی به میزان وسیعی شناخته شده است. در بیشتر کشورهای در حال توسعه، آنان تکیه گاه اصلی نیروی کار در مزرعه، درآمد خانواده و کشاورزی معیشتی به حساب می‌آیند و در بسیاری از فعالیتهای مرتبط با آماده سازی، نگهداری و فرآوری مواد غذایی و امور مربوط به نگهداری از دامها نقش عمده و اساسی ایفا می‌نمایند. با وجود اینکه زنان به عنوان یکی از عوامل نامشهود در اقتصاد کشاورزی محسوب می‌شوند لیکن سهم عظیمی از کل نیروی انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی را در سطح جهان تشکیل می‌دهند (موحدی، ۱۳۸۱).

خدمات زنان به تولیدات کشاورزی و امنیت غذایی خانواده‌ها در خاور نزدیک در هر کشوری متفاوت است. اما در بسیاری از کشورها کمکهای زنان بسیار زیاد می‌باشد. مشارکت زنان در بخش کشاورزی در مناطقی که مردان به علت خشکسالی به شهرها مهاجرت می‌کنند قابل توجه می‌باشد. آنان در بعضی از کشورها وظایف سخت و تکراری در تمام طول سال را انجام می‌دهند. در برخی از کشورها خرمن کوبی، بازاریابی و فعالیتهای دامداری برعهده زنان می‌باشد (سازمان خوارو بار و کشاورزی ملل متحد «فائو»، ۱۹۹۰).

براساس تحقیقات بعمل آمده حدود ۴۰ درصد از تولید محصولات کشاورزی را زنان بر عهده دارند و لذا توجه به زنان روستایی، توجه به ارتقاء و بهره‌وری است ولی متأسفانه در اکثر کشورها به فراموشی سپرده شده است، در هر حال تلاش جهت توانمندسازی زنان به عنوان یکی از عناصر مهم در توسعه (از تمام جوانب) ضروری به نظر می‌رسد، در واقع قدرت سازندگی و خلاقیت در این افراد باید از طریق بهبود توانمندیهای آنها به گونه‌ای افزایش یابد که خود در جریان این فرآیند به عاملانی اثربخش برای ایجاد تغییر و دگرگونی مبدل شوند.

۳. مفهوم امنیت غذایی

از مفهوم امنیت غذایی تعاریف متعددی صورت گرفته است، مفهوم مزبور در سطوح فردی، خانوادگی، ملی و جهانی کاربرد دارد. بطور کلی امنیت غذایی به معنای فعلیت داشتن سه اصل مهم فراهم بودن (تولید پایدار)، ثبات و قابل دسترسی بودن غذا می‌باشد.

فراهم بودن غذا: یعنی هر کشوری باید قادر باشد غذای کافی برای جمعیت موجود و در حال رشد خود را تأمین نماید.

ثبات غذا: یعنی اینکه غذای فراهم شده در هر زمانی در بازار وجود داشته باشد.

قابل دسترسی بودن غذا: یعنی اینکه مردم از نظر اقتصادی و فیزیکی قادر به تهیه مواد غذایی بهداشتی باشند (Anonymous, ۲۰۰۴)

اصولاً امنیت غذایی به دو عامل عرضه و تقاضا برای غذا بستگی دارد. رشد جمعیت، تغییر و افزایش درآمد شهرنشینی، قیمت غذا و جایگزینی شیوه‌های نوین زندگی از جمله نیروها و عواملی هستند که به طور مؤثر روی نحوه مصرف غذا و تقاضای آن تاثیر می‌گذارند. برخی از تعاریف به عمل آمده از مفهوم امنیت غذایی که نماینگر تکامل نگرش بین‌المللی به این موضوع است به ترتیب زیر می‌باشند: در سال ۱۹۷۵ سازمان ملل متحد امنیت غذایی را چنین تعریف کرد:

امنیت غذایی عبارت است از عرضه مستمر کالاهای غذایی اصلی در سطح جهانی به منظور بهبود مداوم مصرف غذا و خشتی کردن اثرات نامطلوب نوسانات تولید و قیمت غذا.

نه سال بعد سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) تعریف زیر را پیشنهاد کرد:

امنیت غذایی یعنی اطمینان از این که همه مردم در همه اوقات به غذاهای اصلی مورد نیاز خویش دسترسی فیزیکی و اقتصادی داشته باشند.

بانک جهانی در سال ۱۹۸۶ امنیت غذایی را به شرح زیر تعریف کرد:

امنیت غذایی عبارت است از دسترسی همه مردم به غذای کافی در تمام اوقات به منظور یک زندگی سالم و فعال.

این تعریف تا به امروز بیشتر از سایر تعاریف مورد استقبال قرار گرفته و مطلوبتر انگاشته شده است. کنفرانس بین المللی تغذیه در سال ۱۹۹۳ نیز تعریف بانک جهانی را به عنوان تعریف کاربردی پذیرفت. بالاخره اجلاس جهانی غذا در سال ۱۹۹۶ آخرین تعریف امنیت غذایی مورد قبول تمامی شرکت کنندگان را به شرح زیر اعلام کرد:

امنیت غذایی آنگاه وجود دارد که همه مردم در تمامی ایام به غذای کافی، سالم و مغذی دسترسی فیزیکی و اقتصادی داشته باشند و غذای در دسترس نیازهای یک رژیم تغذیه‌ای سازگار با ترجیحات آنان را برای یک زندگی فعال و سالم فراهم سازد.

۴. تاریخچه امنیت غذایی

جوامع و دولتها در طول قرن بیستم دریافته‌اند که بحث امنیت، مفهوم و حالت سنتی خود را از دست داده است. در گذشته به امنیت، بیشتر از دیدگاه نظامی توجه می‌شد. در حال حاضر، بحث امنیت، علاوه بر آنچه در گذشته بوده در حوزه‌های متفاوتی نیز مطرح است. مثل امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و در واقع امنیت غذایی که خود نوعی از امنیت اقتصادی - اجتماعی می‌باشد به طور جدی در نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه قرار گرفت. اولین تلاش جدی برای دستیابی به امنیت غذایی به تشکیل کنفرانس جهانی غذا در سال ۱۹۷۴ بر می‌گردد. سپس در کنفرانس بین المللی تغذیه در سال ۱۹۹۲ برای اولین بار، امنیت غذایی و مسائل آن به صورت یک نظریه تدوین شد و در حال حاضر از داغ‌ترین و مهمترین مباحث حوزه علوم کشاورزی می‌باشد (سازمان تحقیقات سیاستهای جهانی غذا، ۱۳۷۶).

۵. سطوح امنیت غذایی

معمولاً دولتها سعی می‌کنند که امنیت غذایی مردم جامعه را در سطوح مختلفی برقرار نمایند. که شامل موارد زیر می‌باشد:

(۱) سطح ملی و منطقه‌ای

(۲) سطح خانوادگی و فردی

(۱) **سطح ملی و منطقه‌ای:** دولتها در این سطح به برقراری امنیت غذایی برای جمعیت ملی به منظور رفع نیازهای این جمعیت تمایل بیشتری دارند. در این سطح، امنیت غذایی در سطح کلان جمعیتی ایجاد و برقرار می‌شود.

۲) سطح خانوادگی و فردی: هدف در این سطح، برآوردن نیازهای غذایی خانواده‌ها و اعضای آنها است. عواملی همچون بازار مواد غذایی، قیمت‌ها، شبکه‌های حمل و نقل، تسهیلات انبارداری و ... بر امنیت غذایی خانواده‌ها و افراد تاثیر می‌گذارند (Chen and kates, ۱۹۹۴) تامین امنیت غذایی در سطح ملی و منطقه‌ای به معنای وجود امنیت در سطح خانواده و افراد نیست: زیرا ممکن است غذا به طور عادلانه در بین خانواده‌ها و اشخاص توزیع نشده باشد (سازمان تحقیقات سیاستهای جهانی غذا، ۱۳۷۶).

۵. اثرات رشد اقتصادی، توزیع برابر درآمدها و پایداری قیمت‌ها بر امنیت غذایی

سه مسئله اقتصادی به صورت تلفیقی بر امنیت غذایی اثر می‌گذارند. این سه عامل شامل رشد اقتصادی، توزیع برابر درآمدها و پایداری قیمت مواد غذایی می‌باشد. اقتصاد پویا، اقتصادی است که از رشدی برخوردار باشد و در نتیجه آن درآمدها افزایش یابند. حال اگر درآمدها از توزیع عادلانه‌ای برخوردار باشند و قیمت مواد غذایی از نوسانات کمی برخوردار گردد، امنیت غذایی جامعه تامین می‌شود. در واقع، این سه عامل اقتصادی، اگر با یکدیگر هماهنگ عمل نمایند، ضریب دستیابی به امنیت غذایی به مراتب بیشتر افزایش می‌یابد (Timmer, ۲۰۰۰). هنگامی که قیمت محصولات کشاورزی و مواد غذایی بالا باشد. فرد به درآمد بیشتری نیاز دارد تا بتواند خود را از خط فقر و گرسنگی دور نگاه دارد، نوسان قیمت‌ها، شوکهای متفاوتی بر سیستم مواد غذایی وارد می‌کند که بنابر ماهیت این نوسانات قیمتی، اثرات مطلوب و نامطلوبی بر این سیستم وارد می‌شود. (Timmer, ۲۰۰۰)

۶. امنیت غذایی پایدار

ایجاد امنیت غذایی به منظور حفظ سلامت و ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی از ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حایز اهمیت است. برای رهایی از چنگال فقر، گرسنگی و سوء تغذیه بسیج مادی و معنوی هدف دار و همگانی جامعه جهانی لازم است و وظیفه اجلاس و سازمانهای بین المللی و تخصصی کمک به شناخت عوامل محدود کننده توسعه پایدار، تبیین راهبردهای عملی، اخلاقی، شکستن انحصارها در زمینه دانش فنی، تولید کافی مواد غذایی و توزیع عادلانه آنها در سراسر جهان است تا پایداری امنیت غذایی جامعه بشری تامین گردد (شیخ الاسلام، ۱۳۸۰). امنیت غذایی پایدار تنها با اتکاء به تولید کالاهای کشاورزی و محصولات دامی در داخل کشور تامین نمی‌شود و چه بسا مزیت نسبی در تولید برخی از اقلام اساسی به لحاظ شرایط زیست محیطی و ... وجود نداشته باشد یا تامین کل نیاز جامعه میسر نگردد. از این رو واردات مواد غذایی اساسی به منظور تامین نیازهای جامعه امری ضروری است. چه بسا صرفه جویی در هزینه واردات این اقلام منجر به سوء تغذیه حاد (پروتئین و انرژی) در مردم به ویژه کودکان و نوجوانان گردد و نه تنها هزینه‌های درمانی و بهداشتی را افزایش می‌دهد، بلکه بر قدرت و توانایی جسمی و فکری افراد جامعه که نیروی اصلی توسعه پایدار اقتصادی تلقی می‌شوند، اثر منفی می‌گذارد. با این وصف فرهنگ سازی، پیروی از الگوی صحیح تغذیه و تامین نیازهای اساسی یک وظیفه ملی تلقی می‌شود (پیشوایی و فردین ۱۳۸۰).

۶. عوامل مؤثر در پایداری امنیت غذایی

توجه به موارد زیر دستیابی به امنیت غذایی پایدار را تضمین می‌کند.

۱- افزایش تولید مواد غذایی

به منظور افزایش در تولید مواد غذایی اقدامات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

- ۱) افزایش سطح زیر کشت
- ۲) افزایش بازده در واحد سطح
- ۳) تدارک آسانتر عوامل تولید
- ۴) تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی که توجه به آنها یک امر مهم در این مسیر تلقی می‌گردد
- ۵) استفاده از نهاده‌های پربازده
- ۶) تغییر الگوی کشت به سمت تولید برای بازار
- ۷) منطقه‌ای و یکپارچه کردن کشت
- ۸) اصلاح روشهای آبیاری مانند (استفاده از آبیاری تحت فشار جهت جلوگیری از فرسایش خاک)
- ۹) بازاریابی محصولات کشاورزی
- ۱۰) استفاده از تناوب کشت
- ۱۱) کاهش سموم (عمادزاده و همکاران، ۱۳۸۰).

۲- جلوگیری از ضایعات محصولات کشاورزی

فقدان یک سیستم مدیریتی جامع و نارسایی و ناهماهنگی در مدیریت بازاریابی سبب شده تا حدود ۲۵ درصد از محصولات کشاورزی در مراحل گوناگون به صورت ضایعات از بین برود (کلانتری، ۱۳۷۸).

۳- واردات محصولات کشاورزی

این امر درست است که هر کشور، کم و بیش امکان تولید را داراست ولی در بعضی مواقع به دلیل بلایای طبیعی چون سیل، زلزله و ... ممکن است تولید در یک دوره دچار بحران شود، در چنین مواردی به خاطر حفظ امنیت غذایی می‌بایست به واردات محصولات متوسل شد. اگر چه با واردات، مشکل امنیت غذایی به هر نحو حل می‌شود لکن، عدم توجه به رفع موانع و مسائل تولید در کشور، موجب بروز مشکلات فراوان اقتصادی و اجتماعی خواهد شد.

۴- کنترل رشد بی رویه جمعیت

در حقیقت کنترل رشد جمعیت، کنترل میزان تقاضاست. می‌باید بین نرخ رشد جمعیت و نرخ تولید محصولات کشاورزی هماهنگی و تناسب مشخصی وجود داشته باشد.

۵- توزیع بهتر جغرافیایی مواد غذایی

از آنجا که برخی از محصولات کشاورزی در نقاط خاصی از کشور تولید می‌شوند (مانند برنج) بنابراین می‌بایست نظامی وجود داشته باشد که بتواند محصول تولید شده را به بهترین شکل در بین مصرف کنندگان توزیع کند. این امر در مورد مواد غذایی وارداتی نیز صادق است، هر قدر نظام توزیع بهتر عمل کند، امکان دسترس بیشتر به مواد غذایی میسرتر و نیل به امنیت غذایی آسانتر خواهد بود.

۶- توزیع عادلانه درآمد

توزیع عادلانه درآمد یکی از عوامل موثر در تداوم امنیت غذایی است. ممکن است محصولات کشاورزی به اندازه کافی تولید و در دسترس باشند، لیکن توان مالی مردم آنقدر نباشد تا بتوانند محصولات تولیدی را خریداری و مصرف نمایند.

۷- تغییر در الگوی مصرف (فرهنگ سازی)

با ثابت نگه داشتن بودجه خانوار و ارتقاء سطح فرهنگ مصرف می‌توان به الگوی غذایی تنوع بخشید و کیفیت تغذیه را افزایش داد، چه بسا با اندک تغییری در الگوی مصرف بتوان علاوه بر استفاده از غذاهای متنوع، به نیازهای بدن چه از لحاظ ریز مغذی و چه درشت مغذی ها بهتر پاسخ داد.

۸- تثبیت قیمت مواد غذایی

هنگامی که قیمت محصولات کشاورزی و مواد غذایی بالا باشد، فرد به درآمد بیشتری نیاز دارد تا بتواند خود را از خطر فقر و گرسنگی دور نگه دارد. نوسان قیمت‌ها اثرات متفاوتی بر سیستم مواد غذایی وارد می‌کند (Timmer, 2000).

اگر چه ممکن است که رشد قیمت محصولات کشاورزی در کوتاه مدت به نفع تولیدکنندگان باشد، لیکن این امر در بلندمدت به نفع نظام توزیع و بازاریابی خواهد بود و در نتیجه رشد قیمت‌ها، اثر قابل توجهی بر انگیزه تولیدکنندگان نخواهد داشت. از طرف دیگر به دلیل اینکه اکثر کشاورزان، خود به عنوان مصرف کننده و خریداران اصلی مواد غذایی محسوب می‌شوند، رشد قیمت‌ها باعث می‌شود که آنها بیشترین آسیب را از تورم ببینند و از نظر اقتصادی دسترسی کمتری به مواد غذایی داشته باشند.

۹- اتخاذ سیاستهای حمایتی

به منظور تامین امنیت غذایی پایدار، راهبردهای مختلفی از سوی دولت‌ها طراحی می‌شود که اعطای یارانه برای دسترسی تمامی افراد جامعه به مواد غذایی یکی از آنهاست، پرداخت یارانه به شیوه یکسان میان تمام افراد جامعه حتی گروههای پردرآمد موجب می‌شود که هزینه‌های هنگفت توزیع یارانه‌ها، تا حدودی به هدر رود. در حالیکه با پرداخت یارانه‌های هدفمند به گروههای کم درآمد می‌توان در بهبود الگوی تغذیه این گروهها، به طور موثری وارد عمل شد. از این روی برنامه‌ریزی به منظور هدفمند ساختن یارانه‌ها یکی از وظایف اصلی دولت در آینده قلمداد می‌گردد.

حال با توجه به موارد ذکر شده، به جایگاه زنان روستایی در تامین امنیت غذایی پایدار پرداخته می‌شود.

۶. زنان روستایی کلید پایداری امنیت غذایی

فعالتهای روزمره زنان، در امور کشاورزی، ماهیگیری، جنگلداری، فرآوری و بازاریابی مواد غذایی، حاکی از لزوم حضور زنان در تولیدات روستایی می‌باشد. براساس سالنامه آماری سال ۱۳۷۵، تعداد جمعیت زنان روستایی کشور ۱۱۴۲۱۳۲۱ نفر برآورده شده است. آنان ۱۹ درصد از جمعیت کل کشور و ۳۹ درصد از جمعیت کل زنان کشور را تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران ۱۳۷۶). در زمینه دسترسی به غذا، مطالعات موردی انجام یافته در سال های اخیر نشان دهنده این واقعیت است که زنان روستایی حدود ۴۰ درصد از مواد غذایی و دامی را تولید می‌کنند. در مجموع نقش زنان روستایی در کلیه مراحل تولید اعم از (کاشت، داشت، برداشت، فرآوری محصولات، انبارداری و بازاریابی) محصولات کشاورزی و امور مربوط به دامداری از قبیل (چرای دام، تعلیف، نگهداری، شیردوشی، تهیه مواد لبنی و بازار یابی) چشمگیر و قابل ملاحظه است (بی نام، ۱۳۷۷). فعالیت تولیدی زنان روستایی و درآمد حاصل از آن سبب کاهش شکاف بین خانواده شهری و روستایی از نظر سطح درآمد شده و یکی از اهداف توسعه روستایی عملی می‌گردد. علاوه بر این موجب افزایش بهره‌گیری خانواده از خدمات بهداشتی و تغذیه بهتر آنان می‌شود (صدیقی، ۱۳۷۷).

بنابراین نقش زنان روستایی، در تامین امنیت غذایی و تداوم آن از دو جنبه قابل توجه است: نخست نقشی که به اقتضای محیط زندگی و الگوی معیشت خانوار در تولید مواد غذایی دارند و دوم نقشی که به عنوان مادر یا کدبانوی خانه در تنظیم برنامه غذایی و تهیه غذا و توزیع آن بین اعضای خانوار ایفا می‌کنند (صدیقی، ۱۳۷۷).

در حقیقت آنان با استفاده از قدرت خلاقیت، انعطاف پذیری و اطلاعاتی که در زمینه تنوع زیستی و بومی شان دارند، سیستم‌های تولید پایدار را به شیوه‌ای مبتکرانه در زمینه مواد غذایی به کار می‌گیرند (شمس، ۱۳۷۷).

۷. موانع و مشکلات

به منظور پاسخگویی به اینکه چه عوامل و پارامترهایی مانع از فعالیت عمده و اساسی زنان روستایی در تامین تغذیه و تداوم آن می‌گردد. می‌باید به مشکلات آنان در تولیدات بخش کشاورزی اشاره کرد که شامل موارد ذیل می‌باشد:

۱- محدودیت در دسترسی به فرصتهای آموزشی از قبیل خدمات ترویجی، خدمات مشاوره‌ای و اطلاعات فنی.

۲- محدودیت در دسترسی به منابع تولید مانند دام، زمین و تکنولوژی‌های ساده.

۳- محدودیت فرصتهای اشتغال در بخش کشاورزی.

۴- فقدان مهارت‌های فنی.

۵- ضعف قدرت مالی زنان روستایی.

۶- پنهان بودن نقش مهم زنان روستایی در تولید بخش کشاورزی.

۷- فقدان امنیت شغلی و ... (Abdel Aal, ۲۰۰۲).

۸. راهکارها

بازنگری مطالعات انجام یافته پیرامون نقش زنان روستایی در پایداری امنیت غذایی حاکی از آن است که دو عامل آموزش و اطلاع رسانی و اتخاذ سیاستهای حمایتی و نتایج حاصل از آنها نقش عمده‌ای را در تداوم امنیت غذایی ایفا می‌کنند که در ذیل به شرح مختصری از این عوامل می‌پردازیم.

۹. آموزش و اطلاع رسانی

سرمایه گذاری در منابع انسانی، یکی از موثرترین ابزارهای کاهش فقر و تقویت توسعه پایدار است. از طریق افزایش آموزش زنان می‌توان به طور قابل ملاحظه‌ای امنیت غذایی را تامین نمود (یعقوبی و براتی، ۱۳۸۲).

نتیجه مطالعه‌ای که توسط بانک جهانی صورت گرفته، مشخص کرد، اگر چنانچه زنان به اندازه مردان آموزش ببینند، عملکرد مزارع بین ۷ تا ۲۲ درصد افزایش می‌یابد. لذا باید توجه داشت که آموزش زنان روستایی نه تنها به افزایش بهره‌وری محدود نمی‌شود بلکه در تنظیم الگوی مناسب تغذیه خانوار به عنوان تربیت کنندگان نسل‌های سالم آینده، بسیار مهم است (فرسادی، ۱۳۸۱). آموزش زنان، همچنین امکان کسب دستمزدهای بالاتر را برای آنها، فراهم می‌سازد. لیکن این امر از یک سو به توانمندسازی زنان روستایی به عنوان تامین کنندگان بخش مهمی از درآمد خانوار منجر می‌گردد و از سوی دیگر افزایش درآمد زنان به عنوان یکی از موثرترین عوامل جهت تامین سلامت تغذیه‌ای افراد خانوار محسوب می‌شود (ترابی، ۱۳۸۳).

در نهایت آگاهی و فرهنگ تغذیه جامعه نیز حائز اهمیت می‌باشد. آگاهی مادران از الگوی صحیح تغذیه در دوران بارداری و شیردهی و نیز در خصوص تغذیه کودکان و نوجوانان موجب خواهد شد با جایگزینی مواد غذایی همگن از نظر ترکیبات غذایی و با توجه به نوسانات قیمت آنها، انرژی، پروتئین و ویتامین‌های لازم به افراد خانواده با توجه به سن و نوع فعالیت آنها داده شود و از آثار ناگوار سوء تغذیه تا حدودی پیشگیری شود. از این رو تبلیغات و دادن آگاهی‌های لازم به ویژه به زنان و دختران (در دوران تحصیل) روستایی حائز اهمیت است و می‌تواند سلامت خانواده را در آینده تا حدودی تضمین کند. (دانشیان، ۱۳۸۰)

۱۰. اتخاذ سیاستهای حمایتی

اتخاذ سیاستهای مطلوب و مداخله‌های مناسب برای بهره‌وری بیشتر کار زنان در بخش کشاورزی و به خصوص به منظور تولید مواد غذایی ضروری حداقل برای افراد خانوار در روستاها حائز اهمیت است و به خوبی می‌توان از طریق افزایش تولید و کاهش ضایعات بوسيله زنان، دسترسی جامعه را به غذا افزایش داد (بی نام، ۱۳۷۷). در این صورت سیاستها باید به نحوی طراحی شوند که اگر متضمن تامین مایحتاج غذایی کشور هستند، متضمن تامین امکانات تولید، رفاه، برابری، کارایی، تواناسازی، زدودن فقر اطلاعاتی از جامعه زنان روستایی نیز باشند. از جمله سیاستهایی که منجر به افزایش عرضه محصولات توسط زنان فعال در بخش کشاورزی می‌شود عبارتند از ایجاد صندوقهای در گردش و افزایش تخصیص اعتبارات کوتاه و بلند مدت به آنان (دینی ترکمانی، ۱۳۷۷).

بنابراین طرحهای اعتباری از یک سو شرایط لازم و اساسی جهت بالا بردن تولیدات کشاورزی را فراهم نموده، که این امر عاملی است جهت رشد و توسعه اقتصادی کشور از سوی دیگر استعداد و قابلیت‌های زنان روستایی را تقویت می‌کند تا همپای مردان در فرآیند توسعه پایدار مشارکت داشته باشند.

۱۱. نتیجه گیری

دانش و رفتار تغذیه‌ای به هنگام گزینش، آماده سازی و توزیع غذا، در بین افراد خانوار، از عوامل کلیدی هستند. استفاده مؤثر از امکانات اقتصادی خانوار، برای ایجاد جامعه‌ای سالم و سازنده، به دانش و رفتار مناسب در سطح خانوار بستگی دارد. این دانش عنصر لازم و اساسی به روش رفتارهای ارتقای سلامت، عادات و رویه های سالم غذایی، مراقبت کافی از کودکان، انتخاب‌های غذایی مناسب و به موقع، مدیریت صحیح بودجه خانوار، مشارکت در امور کنترل ضایعات غذایی است.

همچنین با توجه به این نکته که مشکلات موجود در جامعه روستایی و بخش کشاورزی بر جامعه زنان روستایی تأثیر گذار است و آنان را با تنگناهایی جدی مواجه می‌کند، بی‌تردید، تأثیر سیاستها و جلب مشارکت زنان برای توسعه کشاورزی در گرو نحوه تدوین سیاستها و اجرای آنها می‌باشد، چرا که سیاستهای کشاورزی و غذایی در سطح ملی بر توانایی زنان در همکاری با امنیت غذایی خانوار تأثیر می‌گذارد.

بنابراین، آگاهی از مساله پایداری و تداوم امنیت غذایی، سواد تغذیه‌ای، توانمند کردن خانوارها، مخصوصا زنان روستایی، از مولفه‌های اصلی راهبردهای امنیت غذایی هستند که در این راه، ارتقای مقام زنان و نقش فعال آنان در کسب درآمد و تصمیم گیری برای تقسیم منابع خانوار یک راهبرد مثبت و قاطع، در جهت بهبود امنیت غذایی خانوار و تامین نیازهای بهداشتی و تغذیه‌ای اعضای آن تلقی می‌گردد.

منابع و مآخذ

۱. براتی، علی و یعقوبی، جعفر (۱۳۸۲). جنسیت و امنیت غذایی. نشریه: جهاد، شماره (۱۱۴)، صفحه ۲۸.
۲. بی نام (۱۳۷۷). نقش و سهم امنیت غذایی در پیشبرد برنامه‌های توسعه، نشریه: اطلاعات، شماره (۸۵)، صفحه ۱۰.
۳. پیشوایی، حسین و فردین، هلنا (۱۳۸۰). کشاورزی ایران، بحران یا امنیت غذایی. نشریه: بهکام، شماره (۱۴۸)، صفحه ۱۸.
۴. ترابی، فاطمه (۱۳۸۳). زمان واگذاری اطلاعات به مسولان در زمینه نقش زنان روستایی. نشریه: مزرعه، شماره (۹۸)، صفحه ۲۵.
۵. دانشیان، اصغر (۱۳۸۰). چالشها و تمهیدات بین المللی در باب امنیت غذایی. نشریه: شکرشکن، شماره (۵۵).
۶. دینی ترکمانی، علی (۱۳۷۷). تامین حداقل نیازهای خانوار باید هدف درست باشد. نشریه: جهان اقتصاد، شماره (۸۲)، صفحه ۳۴.
۷. سازمان تحقیقات سیاستهای جهانی غذا (۱۳۷۶). بررسی امنیت غذایی و عرضه غذا در جهان (ترجمه: پوران المیر)، تهران: وزارت کشاورزی، معاونت برنامه ریزی و پشتیبانی، موسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصادی کشور.
۸. سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد «فائو» (۱۹۹۰). زنان در توسعه کشاورزی. ترجمه: غلامحسین صالح نسب. ناشر: مدیریت مطالعات و بررسی‌ها. معاونت و ترویج و مشارکت مردمی جهاد کشاورزی. صص ۴۶-۴۲.
۹. سرشماری عمومی نفوس و مسکن - ۱۳۷۵: نتایج تفصیلی زنان روستایی کشور تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶، صفحه ۶۷.
۱۰. شمس، کورش (۱۳۷۷). احقاق حقوق زنان، مساویست با امنیت غذایی جهان. نشریه: صبح خانواده، شماره (۸۰)، صفحه ۲۳.
۱۱. شیخ الاسلام، ربابه (۱۳۸۰). امنیت غذایی پایدار یا گرسنگی پایدار. نشریه: همشهری، شماره (۱۱۶).
۱۲. صدیقی، پرناز (۱۳۷۷). زنان کلید امنیت غذایی. مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره (۸۳).
۱۳. فرهادی، فرناز (۱۳۸۱). جنسیت و امنیت غذایی: جهاد، شماره (۱۰۸).
۱۴. عمادزاده، م و بختیاری، ص و نصر اللهی. خ (۱۳۸۰). تحلیلی از وضعیت امنیت غذایی در ایران. مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ویژه نامه اقتصاد و مدیریت. صص ۱۲۲-۱۰۱.
۱۵. کلانتری، ع (۱۳۷۸). سخنرانی دکتر کلانتری، در مراسم مدیر نمونه برای کشاورزان نمونه، ۱۳ بهمن ۱۳۷۸، نشریه: جهاد، شماره (۶۳).
۱۶. موحدی، رضا (۱۳۸۱). کشاورزان زن و اثربخشی فعالیتهای ترویجی. نشریه: جهاد، شماره (۲۴۹).

Abstract

Women have always been considered as a main factor by the production units throughout the world; the economical structure of a family will not persist without their presence. In most of the developing countries throughout the world, they produce about ۶۰-۸۰ percent of food materials. Therefore, the peasant women play a key role in assuring the alimentary safety and security matters, especially in critical situations. However, although women play an important role in providing the food materials in the world, they are sometimes ignored in the development plans. Therefore, we have paid to the role of rural women in the maintenance of food's security matter, the probable problems debarring their way of progress and the effective methods to be taken in solving these problems. At the end, we have concluded from the above-mentioned matters that a summary of this conclusion is brought at the following paragraph: Generally, the familiarization with food resistance and security matters, feeding literacy, empowering families, especially rural women are main factors to be paid among other procedures in case of food safety matters. In this regard, appreciating the women's active roles in yielding incomes and deciding about the division of household resources can be a positive and crucial policy in improving the food security matters of households and providing the members with their sanitary and nutritional needs.